

نوجوانی و در سخت‌ترین شرایط ممکن روحی و جسمی، والدین سایه خود را از فرزندان دریغ می‌کنند. سوالات و احساسات نوظهور نوجوان به علت‌های نادرستی مثل حیا و ادب نادیده گرفته می‌شود. این نادیده گرفته شدن باعث سرکوب نیاز و سوال نمی‌شود، بلکه نوجوان در جای دیگری به دنبال پاسخ خود می‌گردد و آغوش این صفحات هم که همیشه باز است.

فصل چهارم؛ ذائقه:

نمی‌شود که غذای خانواده همواره شور باشد و بعد از بچه تازه به غذا افتاده بخوایم که دست به نمک نزنند، سبک زندگی و انتخاب‌های خانواده روی ذائقه فرزندان تأثیر مستقیم دارد، نمی‌شود که شما تا به حال هیچ موسیقی فاخری در خانه و در کنار خانواده نشنیده باشید و لذتش را با فرزندان شریک نشده باشید و بعد به او بابت شنیدن موسیقی تتلو ایراد بگیرید. هر ذائقه‌ای نیاز به تربیت دارد، اگر تمایل فرزند شما به شنیدن موسیقی است که از نظر شما نه ارزش موسیقایی دارد و نه ارزش ادبی، آستین بالا بزنید و چند قلم آل‌بوم حسابی پیدا کنید، برنامه کنسرت بچینید، دوست و رفیق موسیقی‌شناس و نوازنده پیدا کنید و گپ و گفت درباره موسیقی راه بیندازید.

شب شعر پیدا کنید و حتی پیشقدم شوید برای راه‌اندازی انجمن شعر یا ادبی برای نوجوانان. نمی‌شود که درخواستی از فرزندان داشته باشید که برای آن هیچ سرمایه‌گذاری نکرده‌اید، باید دانه‌ای کاشته شود تا گلی جوانه بزند.

باعث می‌شود نوجوان در پی پاسخ سوالاتش برود و هر پاسخی را به سادگی نپذیرد، در این مسیر ممکن است به ایستگاه‌هایی مانند تتلو هم برسد.

تتلو یک ایستگاه موقت است اگر والدین رسمی و جدیش نکنند. بلکه دقیقاً والدین. هویت نوجوان اگر در مبارزه شکل بگیرد برای رسیدن به امنیت به سوی هر پناهگاهی می‌رود، در این جست‌وجوی هویتی شما یار و یاور او هستید نه ساریان او. شاید لازم است کنار او بنشینید، حتی در خلوت خودتان علائقش را بررسی کنید و بعد برنامه‌ای برای مسیرش طراحی کنید، فکر کنید چه سوالی در پس ذهن فرزندان باعث شده به سمت موجی مثل موج تتلو تمایل داشته باشد.

نیاز پشت این تمایل را بررسی کنید، شاید این نیاز و فکر اصیل‌تر از آنچه که شما فکر می‌کنید باشد. تتلو خود را فردی دور افتاده از وطن و ظلم و سختی کشیده معرفی کرده، شرایط رسانه‌ای هم به این تفکر دامن زده.

احتمال دارد اعتقادی که پشت توجه فعلی فرزندان به تتلو است از اعتقاد به حمایت از فردی مظلوم بیاید. اگر اینطور باشد شما می‌توانید فرزندان را به سمت شناخت مبارزه حقیقی و شناخت انسان‌های تبعیدی بزرگ تاریخ راهنمایی کنید. یا حتی این رفتار حمایتی او را در مسیر کار خیری هدایت کنید، البته بدون اجبار و اصرار تنها با قرار گرفتن در کنار او و جبهه‌ای که در آن می‌جنگد.

بیوگرافی خوانی و دیدن فیلم‌های بیوگرافی در این دوران به نوجوان شما دید عمیق‌تری نسبت به مبارزه می‌هد.

درک نیازهای جسمی و روحی نوجوان باعث می‌شود شما علت

تمایل او به دیدن صفحاتی مانند تتلو را درک کنید، فردی بی‌پروا از تمایلات جنسی، تفریحات و علائقش می‌گوید، آن‌هم مسائلی که ساده‌تر از آن را فرزندان در خانه امکان و موقعیت مطرح کردن ندارد.

والدین از ابتدای تولد محل امن فرزندان بودند اما ناگهان در

خالی بنویسیم بی‌نهایت، اینطور می‌توانیم معادله را ساده‌تر حل کنیم.

تتلو مرزهای اخلاق و ادب و قوانین حاکم بر اجتماعات انسانی را می‌شکند و مسخره می‌کند، بدون هیچ مرزی در لایونزنده حرف می‌زند و باکی از توهین و تحقیر و افترا به هیچ فردی ندارد. موقعیت جذابی نیست؟ اگر از نگاه یک نوجوان ببینیم این میزان از بی‌پروایی جذاب است.

نوجوان مثل شما به ماجرا نگاه نمی‌کند، او آدمی را می‌بیند که محدودیتی برای خودش قائل نیست و هیچ قانونی را بر نمی‌تابد پس با جذب شدن به سمت او، خود را نیز در گروه افراد بی‌پروا دسته‌بندی می‌کند، میل به اعمال شجاعانه در این سن بالاست، اگر شما تعریف درستی از شجاعت به فرزندان ارائه ندهید او معنای دیگری را جایگزین معنای اصیل شجاعت می‌کند.

به همراه فرزندان به دنبال انسان‌های شجاع بگردید، حتی انسان‌های ترسوی تاریخ را بشناسید و تفاوتشان را پیدا کنید. ورزش‌ها و تفریحات جسورانه را انتخاب کنید مثل پرش از ارتفاع. این مدل تخلیه‌های حسی باعث آرامش روحی و جسمی نوجوان می‌شود و می‌توانید در فضای آرام‌تری گفتگو کنید.

فصل سوم؛ هویت:

پیدا کردن هویت یکی از مهم‌ترین جست‌وجوهای زمان نوجوانی است، اگر به نتیجه نرسد و یا پایان درستی نداشته باشد، سال‌های بعدی عمر فرد در بلاتکلیفی و سردرگمی می‌گذرد. هویت فردی و اجتماعی، هویت دینی، شجره‌نامه، وطن، خانواده، شغل، کائنات، خدا، زمین و غیره در دسته هویت قرار می‌گیرند.

شاید به نظر بیاید اگر این جستجو در دوره بعدی زندگی اتفاق می‌افتاد مسیر ساده‌تر و نتیجه بهتری داشت اما خاصیت دوره نوجوانی شکستن استرو تا پی‌ها یا کلیشه‌های ذهنی است که

پیشنهادهایی برای گذر از این مرحله

پروژه والد فرزند:

همین مسیر برای رسیدن به پاسخ می‌تواند یک پروژه جدی شناخت سازوکار بازار تبلیغات باشد و روشی برای نزدیک‌تر شدن به فرزندان. یک کار گروهی / خانوادگی برای درک بهتر پشت پرده اقتصادی و درآمدزایی این صفحات طراحی کنید، در این مسیر فرزندان با مفاهیم مالی و ارزش پول آشنا می‌شود، شما می‌توانید او را با مفاهیم مهم‌تری مانند روزی حلال، کسب طیب و احکام معامله در اسلام نیز آشنا کنید. اگر شما برنامه‌ای برای رشد فرزندان در نظر نداشته باشید، او از رشد دست نمی‌کشد اما ممکن است مسیر رشدش مسیر طیب و سالمی نباشد.

اپوزیسیون بودن همیشه مدام است

مخالف بودن با هر جریانی در این سن مدام است، پس عجیب نیست که فرزندان توجه به فردی مثل تتلو داشته باشد؛ تتلو با همه چیز مخالف است، بی‌دلیل و سرسختانه، فرزندان هم همین مخالفت را می‌خواهد و هر کس مقابل او بایستد در واقع مقابل قهرمانی ایستاده که می‌خواهد یک‌تنه دنیا را از حیث دیکتاتورها پاک کند!

فرزندان را در موقعیت حمله قرار ندهید، شرایط را به سمتی نبرید که او حس قهرمانی یک‌ه و تنها در میدان مبارزه علیه ظلم و ستم را داشته باشد،

فرزندان هر روز شما را به چالش می‌کشد، کل تفکرات و عقاید و رفتارهای شما را بررسی می‌کند، از همین خصیصه بارز نوجوانی می‌توانید در موارد دیگر نیز استفاده کنید، شما هم او را به چالش بکشید، البته نباید این چالش بویی از تحقیر یا توهین و حتی درس و نصیحت بدهد. شاید لازم باشد نوجوان‌تان با سازوکار جدی این دنیا آشنا شود، چرخه اقتصادی را بشناسد و بداند که هیچ گربه‌ای محض رضای خدا موش نمی‌گیرد و هر آسایشی بهایی دارد. جست‌وجو پیرامون نحوه درآمدزایی بسیاری از صفحات اینستاگرامی می‌تواند نتایج جذابی داشته باشد؛ صفحاتی که جیب صاحبانشان را از طریق تبلیغات و لاتاری و اسپانسرهای مختلف پر می‌کنند و فقط برای خوشگذرانی مان نیست. درواقع راهی است برای پر کردن جیب سرمایه‌گذاران اصلی‌شان.

چه کسی می‌گوید پول بد است؟

این ممکن است سوال نوجوان شما باشد. پول بد نیست در صورتی که چرخه به دست آوردن پول چرخه سالمی باشد و مهم‌تر از همه من و زمان و عمر من کالای فروشی این صفحات نباشند.



شما فکر و حتی زندگی خواهد کرد، مسأله این است که این را بپذیرید که او در حال تبدیل شدن به انسانی مستقل است و شما در این مسیر باید او را یاری کنید.

مهم‌ترین وظیفه شما انتقال درست ارزش‌های اصیل خانواده‌تان در بستری امن و آرام است، مهر و محبت همیشه کلید مشکل است، فرزندان باید حس و انگیزه و هدف شما را درک کنند، باید دل‌نگرانی صادقانه مادرانه/پدرانه شما را با جان و دل حس کند تا در به روی شما بگشاید و شما را بپذیرد. رابطه پرمهر و امن والدین با نوجوان بهترین و قوی‌ترین محافظ او مقابل شرایط جدید پیش‌رویش است.

سن نوجوانی سن آرمانگرایی است، به همراهش به دنبال آرمان‌های اصیلی بگردید، برای او زمینه‌ای فراهم کنید که با آرمان‌های جدی انسانی آشنا شود و انسان‌های آرمانگرا را بشناسد، چرا که در غیر این صورت قهرمان او تتلویی می‌شود که از پشت دوربین موبایل برای دیگران خط و نشان می‌کشد.

حاج قاسم می‌گفت «آن دختر کم حجاب هم دختر ماست»، چند پله بالاتر رفتن باعث می‌شود جامع تر ببینید، در هر صورت این پسر و دختر نوجوان، فرزند شماست و باید بپذیرید که او در حال پیدا کردن خود است و به احتمال خیلی زیاد سلیقه‌ای متفاوت از شما خواهد داشت، طور متفاوتی از